

روایات باب:

درباره کمک به دیگران در جایی که آنها در اضطرار واقع شده اند روایات بسیاری وارد شده است که در

ادامه آنها را بررسی می کنیم:

(۱) «قَالَ وَقَالَ أَحْسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ إِنَّ التَّقِيَّةَ يُصْلِحُ اللَّهُ بِهَا أُمَّةً لِصَاحِبِهَا - مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَالِهِمْ - فَإِنْ تَرَكَهَا أَهْلَكَ أُمَّةً تَارِكُهَا شَرِيكَ مَنْ أَهْلَكَهُمْ - وَإِنْ مَعْرِفَةَ حَقُوقِ الْإِخْوَانِ يُحِبُّ إِلَى الرَّحْمَنِ - وَ يُعْظَمُ الزُّلْفَى لَدَى الْمَلِكِ الدِّيَّانِ - وَإِنْ تَرَكَ قَضَائِهَا يُمَقَّتْ إِلَى الرَّحْمَنِ - وَ يُصَغَّرُ الرُّتْبَةَ عِنْدَ الْكَرِيمِ الْمَنَّانِ.»^۱

توضیح: زلفی: قربت / یُمَقَّتْ: موجب دشمنی می شود.

ما می گوئیم: فراز اول این روایت به نظر می رسد که ترک تقیه عامل هلاکت قوم دیگر است یعنی گویی فرد با ترک تقیه دیگران را دچار مشکل می کند پس روایت صورتی را مورد اشاره قرار نمی دهد که اضطرار در دیگران از عوامل دیگر پدید آمده باشد اما فراز دوم به نوعی مشعر به آن است که باید نسبت به برادران دینی توجه داشت

(۲) «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ الْمَسِيحُ ع يَقُولُ إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكَ لِبَجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ الْمَجْرُوحِ وَ التَّارِكَ لِإِشْفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَّاراً فَكَذَلِكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجَهَّلُوا وَ لَا تَمْنَعُوا أَهْلَهَا فَتَأْتَمُّوا وَ لِيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّيِّبِ الْمُدَاوِي إِنْ رَأَى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ وَ إِلَّا أَمْسَكَ.»^۲

توضیح:

حکمت را به غیر اهل ندهید که کار جاهلانه کرد اید از اهلش باز ندارید که گناه کرده اید، پس هر کدام مثل پزشکی باشید که موضع دواء را می شناسند و اگر موضع دواء نیست ندهید.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص: ۲۲۲

۲. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۸، ص: ۳۴۵





ما می گوئیم: روایت مربوط به صورتی است که اگر فرد اقدام به رفع اضطرار نکند عرفاً شریک در اضطرار و هلاکت بر شمرده می شود.

۳ «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي كِتَابِ الْإِخْوَانِ بِسَنَدِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَرَأَيْتَ مَنْ قَبِلَكُمْ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ لَيْسَ عَلَيْهِ رِذَاءٌ - وَعِنْدَ بَعْضِ إِخْوَانِهِ رِذَاءٌ يَطْرَحُهُ عَلَيْهِ - قَالَ قُلْتُ: لَا قَالَ - فَإِذَا كَانَ لَيْسَ عِنْدَهُ إِزَارٌ يُوصِلُ إِلَيْهِ بَعْضُ إِخْوَانِهِ - بِفَضْلِ إِزَارِهِ حَتَّى يَجِدَ لَهُ إِزَارًا قَالَ قُلْتُ: لَا - قَالَ فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَيَّ فَخَذِهِ - ثُمَّ قَالَ مَا هَؤُلَاءِ بِإِخْوَةٍ.»^۱

ما می گوئیم: این روایت مربوط به صورتی است که اضطرار دیگری در حفظ نفس نیست اگرچه به طریق اولی شامل حفظ نفس هم می شود، ولی نمی توان از آن وجوب را استفاده کرد

۴ «وَعَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَذَكَرَ مُوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ - وَمَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِمْ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ - فَقَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا - وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يَقُوُّوهُمْ.»^۲

ما می گوئیم: روایت درباره حقوق واجبه است و روشن است که کار سختی است که باعث شده است اسحق بن عمار در تحیّر بماند ولی به صراحت وجوب تجهیز و تقویت را مربوط به زمان حضرت صاحب می داند. این روایت می تواند حاکم به ادله مواسات باشد و همه را از دوره غیبت باز گرداند روایت را از حیث سند هم می توان تصحیح کرد، اما این روایت مربوط به بحث اضطرار نیست، اگرچه به طریق اولی در فرض اضطرار نیز وجوب کمک رسانی را مطرح کرد.

۵ «وَعَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَلَّادِ السَّنْدِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: أَبْطَأَ عَلِيُّ رَسُولَ اللَّهِ صَ رَجُلٌ فَقَالَ مَا أَبْطَأَ بِكَ - فَقَالَ الْعُرِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ - فَقَالَ أَمَا كَانَ لَكَ جَارٌ لَهُ ثَوْبَانِ يُعِيرُكَ أَحَدَهُمَا - فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا هَذَا لَكَ بِأَخ.»^۳

توضیح: ابطأ: دیر آمد. العری: عریان بودن

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص: ۲۶

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص: ۲۶

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص: ۲۷

ما می گوئیم: روایت در مقام بیان حکم فقهی نیست، ضمن اینکه فراز آخر روایت می تواند سوالی باشد، که در این صورت هم فرقی در معنی روایت ایجاد نمی شود.



دین خارج فقه است؛ سید حسن خمینی